

بررسی رابطه میان سبک‌های هویت، ابراز وجود، و سبک‌های مقابله

لیلا پیری

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی

دکتر مهرناز شهرآزای

دانشیار دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تربیت معلم

yasaman7780@yahoo.com

چکیده

این پژوهش، رابطه‌ی بین سبک‌های هویت، ابراز وجود، و سبک‌های مقابله با فشار روانی را بررسی می‌کند. بدین رو، از میان دانش‌آموزان دختر رشته‌ی تجربی که در سال تحصیلی ۸۳-۸۲ در مراکز پیش‌دانشگاهی شهر تهران مشغول به تحصیل بودند ۳۲۷ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، به عنوان گروه آزمون انتخاب شد. برای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش (سبک هویت، ابراز وجود، و سبک مقابله با فشار روانی) پرسش‌نامه‌های سبک هویت برزنسکی (۱۹۹۱)، ابراز وجود گمبیریل و ریکس (۱۹۷۵)، و سبک مقابله انسلر و پارکر (۱۹۹۰) به کار گرفته شد. یافته‌ها نشان داد که:

- ۱- دانش‌آموزان دارای سبک هویت داده‌ئی و هنجاری، بیش‌تر با سبک مقابله‌ئی مسئله‌مدار، و دانش‌آموزان دارای سبک هویت سردرگم/پرهیزی، بیش‌تر با سبک مقابله‌ئی پرهیزی با فشار روانی برخورد می‌کنند.
- ۲- سبک هویت داده‌ئی، با ابراز وجود بنیادی و ابراز وجود مقابله‌ئی، به ترتیب ۰/۲۵ و ۰/۱۱ هم‌بسته‌گی مثبت و معنادار دارد.
- ۳- سبک هویت سردرگم/پرهیزی، با ابراز وجود بنیادی به میزان ۰/۱۵- هم‌بسته‌گی منفی معنادار دارد.
- ۴- سبک هویت سردرگم/پرهیزی، هم‌بسته‌گی معنادار با ابراز وجود مقابله‌ئی ندارد.
- ۵- سبک هویت هنجاری، رابطه‌ئی معنادار با ابراز وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها: ابراز وجود؛ مهارت‌های مقابله با فشار؛ هویت؛

مقدمه

در آغاز سده بیست و یکم دگرگونی‌های سریع، گسترده، و پیچیده علوم، فنون، و حتی فرهنگ، و انتقال آن‌ها از راه شبکه‌های ارتباطی، ابعاد گوناگون زیست اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی انسان را تحت تأثیر قرار داده و او را با نیازها، شرایط، و مشکلات پیچیده و پرکنش و واکنش جدیدی روبه‌رو ساخته‌است. با نگرش به این شرایط، و از آن‌جا که نوجوانان و جوانان در این دوران در راستای جست‌وجو و گزینش‌های فراوان (رشته‌ی تحصیلی، شغل و مانند این‌ها) حرکت می‌کنند، بیش از دیگران با این دگرگونی‌ها رویارو می‌شوند (اس‌دورف، ۲۰۰۰) و به توانایی‌ها و مهارت‌هایی ویژه نیاز خواهند داشت. در این پژوهش، توانایی ابراز وجود و مقابله با فشار روانی، به عنوان دو توانایی مهم برای کارکرد مؤثر و سازگار با این شرایط، و ارتباط آن‌ها با سبک‌های هویت بررسی شده‌است.

فرهنگ واژه‌گان ابراز وجود را «گرایش به ابراز‌مندی نشان‌دهنده اعتماد یا بی‌باکانه، بدون نیاز به مدرک یا سند» تعریف می‌کند (باور و باور، ۱۹۷۸: ۴). آلبرتی و ایسونز^۲ (۱۹۷۰)، لانگ و ژاکوبوفسکی^۴ (۱۹۷۶)، و راکوس^۵ (۱۹۹۱؛ نقل از هارجی، ۱۹۹۷)، ابراز وجود را گرفتن حق خود، و ابراز افکار و احساسات به نحوی مناسب و مستقیم می‌دانند، به گونه‌ئی که در همان حال به حقوق دیگران احترام گذاشته‌شود. ابراز وجود انواع گوناگونی دارد و به گونه‌های مختلفی دسته‌بندی شده‌است. برای نمونه، کلی و هم‌کاران^۶ (۱۹۷۸) ابراز وجود را به ابراز وجود مقابله‌ئی^۸ و تحسینی^۹ می‌دانند. ابراز وجود مقابله‌ئی توانایی مقابله با دیگران و قاطعانه برخورد کردن با آن‌ها، و ابراز وجود تحسینی ظرفیتی برای بیان احساسات مهرآمیز نسبت به دیگران است.

مقابله با فشار روانی، تلاش‌هایی رفتاری و شناختی است برای اداره‌ی خواست‌هایی بیرونی یا درونی که از سوی فرد تهدیدکننده یا آسیب‌زننده تلقی می‌شود (لازاروس، ۱۹۷۳؛ شرایبن و رادماچر^{۱۱}، ۱۹۹۲). شیوه‌ی مقابله با فشارهای روانی می‌تواند به صورت سبک مقابله‌ی مسئله‌مدار^{۱۲}، هیجان‌مدار^{۱۳}، یا پرهیزی^{۱۴} باشد (اندرو و پارکر، ۱۹۹۰).

1. Asendorpf, J. B.

2. Bower, S. A., & Bower, H.

3. Alberti, R. & Emmons, M. L.

4. Lange, A. J., & Jakubowski, P.

5. Rakous

6. Hargie, W. O.

7. Kelly, J., Frederiksen, L., Fitts, H., & Phillips, J.

8. Oppositional Assertion

9. Commendatory Assertion

10. Lazarus, A. A.

11. Sheridan, C. L., & Radmacher, S. A.

12. Problem-focused

13. Emotion-focused

14. Avoidance

متغیرهای فراوانی با توانایی ابراز وجود و مقابله با فشار روانی هم‌بسته‌اند که از میان متغیرهای فردی می‌توان به هویت اشاره کرد (پرسونا و پرسونا، ۱۹۹۲). در بررسی هویت، موارد بسیاری همچون جریان یا فرآیند رشد هویت، محتوا، و سبک‌های آن مورد نگرش است.

اریکسون^۲ (۱۹۶۸) در تعریف روانی-اجتماعی هویت، آن را حسی از پیوستگی با گذشته و سوگیری برای آینده می‌داند به گونه‌ئی که فرد باید آموخته‌ها و مهارت‌های به‌دست‌آورده از دوره‌های پیشین و همچنین همانندسازی‌های گذشته را در هم آمیزد و هویتی شخصی برای خود بسازد (اسپرین‌تال و کالینز، ۱۹۹۵).

برک^۵ (۲۰۰۲) هویت را مجموعه‌ئی از معانی می‌داند که فرد برای تعریف خود به کار می‌برد.

مارسیا^۶ (۱۹۹۶) که نگره‌ی اریکسون را درباره‌ی شکل‌گیری هویت با استفاده از متغیرهای زیربنایی مکاشفه^۷ (ژرف‌نگری آگاهانه درباره‌ی هدف‌های جایگزین نقش‌ها و ارزش‌ها) و پای‌بندی^۸ (توافق در سرمایه‌گذاری فرد در کار یا عقیده) عملیاتی کرد. با در نظر گرفتن بود و نبود هر یک از این دو بعد (مکاشفه و تعهد)، مارسیا چهار وضعیت هویت را جداسازی کرده‌است:

در وضعیت سردرگمی هویت^۹ نوجوان سرگردان است و به عقاید، اصول، یا دیگران پای‌بند نیست و محدود به بازبینی خود است. نشانه‌ی وضعیت زودرسی هویت^{۱۰} پرهیز از گزینش خودمختار است. این گروه، بدون تجربه‌ی بحران نوجوانی، به اهدافی ویژه پای‌بند شده و در چارچوب برنامه‌هایی که دیگران، به‌ویژه والدین‌شان، از پیش برای آن‌ها چیده‌اند، آن اهداف را پذیرفته‌اند. در وضعیت دیررسی هویت^{۱۱}، افراد هنوز برای دستیابی به هویت تلاش می‌کنند و دوره‌ئی از جست‌وجو را می‌گذرانند و هنوز پای‌بندی‌های مهمی ندارند. تلاش فعال آن‌ها برای پدید آوردن پای‌بندی و تلاش برای هم‌آهنگی میان منابع گوناگون است. سرانجام در وضعیت هویت به‌دست‌آمده^{۱۲} (هویت کام‌یاب)، شخص اندک اندک اندیشه‌های خود را یک‌پارچه می‌سازد و خویشتنی نو می‌آفریند. فرد به گونه‌ئی جدی

1. Endler, N. S., & Parker, J. D. A.

2. Persona, S., & Persona, L. M.

3. Erikson, E. H.

4. Sperrinthal, N. A., & Collins, A.

5. Burk, P.

6. Marcia, J. E.

7. Exploration

8. Commitment

9. Identity Diffusion

10. Foreclosure Identity

11. Moratorium Identity

12. Achieved Identity

گزینه‌های متعددی را در نظر می‌گیرد و با توجه به شرایط خود تصمیم‌گیری می‌کند و نسبتاً خودمختار است (مارسیا، ۱۹۶۶).

الگوی وضعیت‌های هویت مارسیا، اساساً روی وضعیت یا پایگاه یا نتیجه‌ی فرآیند شکل‌گیری هویت است، بدین معنا که هویت را اساساً در شرایط پایدار ماندن نتایج جست‌وجو و ویژه‌گی‌های ثابت و روشن توصیف می‌کند (کانه و لوین، ۱۹۹۸؛ فان‌هاف، ۱۹۹۹؛ نقل از سونز، دوریز، و گوستر، ۲۰۰۳).

شماری از نویسنده‌گان، روی‌کردهای فرآیندمحور را برای رشد هویت مطرح کردند. یکی از این الگوها به‌وسیله‌ی برزنسکی^۵ (۱۹۸۹؛ ۱۹۹۰) مطرح شد. وی فرد را نگره‌پرداز خود می‌داند که درگیر فرآیند نگره‌پردازی درباره‌ی خود شده‌است. با نگرش به دیدگاه ساختارگرایی، او نگره‌پردازی را به ساده‌گی گردآوری و خلاصه‌سازی داده‌ها و آزمون پیش‌بینی‌ها نمی‌داند؛ که آن را فرآیند فعال تفسیر تجربه‌های فردی و آفرینش خودهای نو می‌داند. برزنسکی نگره‌پردازی درباره‌ی خود را به سه سبک مختلف دسته‌بندی کرده‌است. این سبک‌ها به عنوان سبک‌های شناختی-اجتماعی، در کل به عنوان روش‌های جست‌وجوی داده‌های مربوط به هویت، تصمیم‌گیری فردی، و به‌ویژه گرایش به مسائل مربوط به دستیابی به هویت است (برزنسکی، ۱۹۹۳):

۱- خودنگره‌پرداز دانش‌گرا^۵ - سبک هویت داده‌ئی^۶ و گرایش به اندیشه‌مند بودن دارد؛ در مورد مفاهیم خود شکاک، و نسبت به آگاهی‌های مربوط به خود گشاده است؛ در برابر تصمیم‌های فردی و مسائل هویتی، با جست‌وجو، پردازش، و ارزیابی داده‌های مربوط به خود برخورد می‌کند.

۲- خودنگره‌پرداز متعصب (جزمی)^۷ - سبک هویت هنجاری^۸ دارد؛ ارزش‌های مراجع قدرت را می‌پذیرد؛ و در برابر داده‌های نو که با ارزش‌ها و باورهای بنیادی وی تفاوت و یا ناهم‌آهنگی دارد شک می‌کند و در برابر آن گشوده‌گی نشان نمی‌دهد. وی انعطاف‌ناپذیر و دارای هدف‌های کاری و آموزشی مشخصی است که از بیرون کنترل می‌شود.

۳- خودنگره‌پرداز ناخودآگاه (خودانگیخته)^۹ - سبک هویت سردرگم/پرهیزی^{۱۰} دارد؛ همواره به پی‌آمدها و درخواست‌های موقعیتی واکنش نشان می‌دهد؛ یک نگره‌ی

1. Cote, J. E., & Levin, C.
2. Van Hoof, A.
3. Soenens, B., Duriez, B., & Goossens, L.
4. Berzonsky, M. D.
5. Scientific Self-theorists
6. Information Style
7. Dogmatic Self-theorists
8. Normative Identity Style
9. Ad hoc Self-theorists
10. Diffuse/Avoidance Identity Style

سست‌سازمان‌یافته درباره‌ی خود، او را به پرهیز از مقابله با تصمیم‌ها و تعارض‌های فردی وامی‌دارد.

پژوهش‌های متعدد (سونز و هم‌کاران، ۲۰۰۳؛ شوارتز و هم‌کاران، ۲۰۰۰؛ برزنسکی و آدامز، ۱۹۹۹) نشان داده‌است که سبک هویت داده‌ئی با وضعیت هویت دیررس و کام‌یاب، هویت هنجاری با وضعیت هویت زودرس، و سبک هویت سردرگم/پرهیزی با وضعیت هویت سردرگم در نظام ماریا رابطه دارد. سه متغیر این پژوهش با جنبه‌های مختلف خود ارتباط دارد. یکی از این جنبه‌ها، خود در روابط رویاروی اجتماعی و در برابر دیگران است که به صورت ابراز وجود دیده‌می‌شود. انتظار می‌رود فردی که دریافتی روشن از خود، نیازها، باورها، و ارزش‌هایش پیدا کرده و به آن‌ها پای‌بند شده‌است در جایگاه اجتماعی با اطمینان و قاطعیت بیشتری آن‌ها را واگو کند؛ به‌ویژه در شرایطی که زمینه یا بافت فرهنگی نیز ابراز وجود را پدیده‌ئی ارزش‌مند و پسندیده بداند و آن را تقویت کند. از این دیدگاه، ابراز وجود نه تنها وجهی فردی، که سازواری اجتماعی نیز دارد.

جنبه‌ی دیگر خود در برخورد با مسائل زنده‌گی هویدا می‌شود. از کسی که در حل مسائل هویتی جست‌وجوگر فعال داده‌ها است و گزینه‌های مختلف را بررسی می‌کند، در برابر آن کسی که صورت مسئله را پاک می‌کند و از کنار آن بی‌تفاوت می‌گذرد، یا حل آن را به دیگران وامی‌گذارد، انتظار می‌رود نه تنها در حل مسائل فردی، تصمیم‌گیری، و پردازش داده‌های مرتبط با خود، که همچنین در حل مسائل زنده‌گی نیز که بیش‌تر همراه با فشار روانی است به صورت جست‌وجوگرانه و با ارزیابی راه‌حل‌های موجود و شرایط یگانه‌ی خویش گزینش نماید. بنابراین، آنچه در این پژوهش و از راه بررسی سه سازه مطرح می‌شود خود به عنوان هسته‌ی اصلی منش است. چنان‌چه خود پایدار یا یک‌پارچه باشد، آن‌گاه انتظار می‌رود که در زمینه‌ها یا ابعاد گوناگون زنده‌گی و از آن میان شیوه‌های پردازش مفاهیم مربوط به خود، سبک هویت، شیوه‌های خودنمایی، و کنش‌ورزی با دیگران به گونه‌ئی بنیادی یا مقابله‌ئی (ابراز وجود)، و سرانجام در مقابله با بحران‌ها و فشارهای زنده‌گی (سبک‌های مقابله با فشار روانی) خود را هویدا سازد و در حضور عوامل پیرامونی درخور (امکانات، ارزش‌ها، نیاز و مانند این‌ها) نشان‌گر یک هم‌بسته‌گی باشد.

در بررسی رابطه بین سبک هویت و سبک‌های مقابله با فشار روانی، برزنسکی (۱۹۹۲)، دریافت که سبک هویت داده‌ئی هم‌سو با شیوه‌ی مقابله‌ی متمرکز بر مسئله (۰/۴۷) و جست‌وجوی حمایت اجتماعی (۰/۲۶)، و ناهم‌سو با واکنش‌های اضطراب سست‌کننده^۲، تکیه

بر آرزوپنداری^۱ (-۰/۱۸) و دوری‌گزینی هیجانی (-۰/۲۲) در سطح ۰/۰۱ است. افراد در این سبک، سرراست با مسائل روبه‌رو می‌شوند، در جست‌وجو و ارزیابی داده‌های نو هستند (سوز و هم‌کاران، ۲۰۰۳)، و با انعطاف‌پذیری، تغییر یا دگرگونی را در زنده‌گی فرصتی برای پیش‌رفت می‌دانند و نه تهدید (کوباسا، ۱۹۸۲؛ نقل از شرایدن و رادماچر، ۱۹۹۲). افراد در سبک هویت سردرگم/پرهیزی، روش‌های مقابله‌ی متمرکز بر هیجان، مانند دوری‌گزینی (۰/۴۸)، آرزوپنداری (۰/۳۹)، و کاهش تنش (۰/۲۰) به کار می‌برند و این سبک با روی‌کرد متمرکز بر مسئله هم‌بستگی منفی (-۰/۱۷) داشت (برزنسکی، ۱۹۹۲). این افراد معمولاً راه‌بردهای تصمیم‌گیری نامناسب، مانند پرهیز، طفره رفتن، بهانه‌آوری، و دلیل‌تراشی به کار می‌گیرند (برزنسکی و فراری، ۱۹۹۶). آزمون‌هایی که سبک هویت هنجاری به کار می‌برند، هنگام روبه‌رو شدن با تنش‌زاهای، بر روش‌های پرهیزی همچون دوری‌گزینی (۰/۳۴) و آرزوپنداری (۰/۲۸) تکیه می‌کردند (برزنسکی، ۱۹۹۲).

در بررسی رابطه‌ی بین سبک هویت و ابراز وجود، سوارتر و هم‌کاران^۴ (۲۰۰۰) دریافتند که افراد دارای سبک هویت داده‌ئی، بالاترین نمره‌ها، و افرادی دارای سبک هویت سردرگم/پرهیزی، کم‌ترین نمره‌ها را در مقیاس خودبیان‌گری به دست آوردند. میانگین مقیاس خودبیان‌گری در افراد دارای سبک هنجاری به گونه‌ئی معنادار از افراد دارای سبک هویت سردرگم/پرهیزی بالاتر بود؛ ولی گروه‌های داده‌ئی و هنجاری تفاوت چندانی نداشتند. گوردون^۵ (۱۹۸۹)، واترمن و هم‌کاران^۶ (۲۰۰۰) و واترمن و مانیون^۷ (۲۰۰۰) نیز در بررسی‌های خود هم‌بستگی‌هایی مثبت و معنادار میان خودبیان‌گری و وضعیت هویت به‌دست‌آمده (کام‌یاب) که افراد در آن سوگیری داده‌ئی دارند یافتند، ولی هم‌بستگی معناداری میان وضعیت‌های زودرس و دیررس هویت یا خودبیان‌گری دیده‌نشده. با نگرش به این که افراد زودرس در برابر افراد دارای سبک هویت داده‌ئی که دارای اعتمادبه‌نفس بالا هستند درجه‌ی بالایی از هم‌نوایی و وابستگی به مراجع قدرت دارند و به میزان زیادی در جست‌وجوی تأیید گرفتن از دیگران هستند (برزنسکی، ۲۰۰۰)، این عامل باعث می‌شود ابرازمندان به دیگران پاسخ ندهند (تاوند، ۱۹۹۴)، و توان پیوند راست‌گویانه و بی‌پرده با دیگران نداشته‌باشند، چون می‌پندارند احترام و مهر دیگران را از دست خواهند داد.

توانایی ابراز وجود افزون بر ابعاد شخصیتی فرد، به فرهنگ و ارزش‌های جامعه، و درجه‌ئی که قاطعیت در بیان‌گری نیرومند یا سست می‌شود نیز بسته‌گی دارد. برای نمونه،

1. Wishful Thinking
2. Kobasa, S. C.
3. Sheridan, C. L., & Radmacher, S. A.
4. Schwartz, S., Mullis, R. L., Waterman, A., & Dunham, R. M.
5. Gordon, L. L.
6. Waterman, A. S., Lopez, L. M., Gruenfeld, K. E., & Jessee, C. L.
7. Waterman, A. S., & Mannion, K.
8. Townsend, A.

در فرهنگ جمع‌گرای چین که خود در رابطه با دیگران تعریف می‌شود، شاید فروتنی، شکیبایی، تلاش برای پیوند با دیگران، و پاس‌داری از پیوندهای دوستانه و سازگارانۀ بیشتر از ابراز وجود ارزش داشته‌باشد (شوندر و هم‌کاران، ۱۹۹۷). خود در چنین فرهنگی، وابسته، اجتماع‌مدار، ارتباطی و هم‌آهنگ با دیگران، نرم، بردبار، پاسخ‌گوی درخواست‌ها، احساسات، و پسندهای دیگران، و نگران درباره‌ی هم‌سان گشتن با آن‌ها است.

به‌ارون، در فرهنگ‌های فردگرا (مانند آمریکای شمالی) باور بر این است که فرد باید مستقل، و ورود به روابط اجتماعی و اجتماع بر پایه‌ی نیاز و به‌وسیله‌ی هم‌سازی دوسویه با دیگران باشد (مارکوس و کیتایاما، ۱۹۹۱). خود در این چنین فرهنگی، پایدار و استوار، خودبسنده، متأثر از صفات، پسندها، و هدف‌های فردی (Cultural Dimentions, 2004)، روشن و راست‌گو، در کنترل خود، خودبرکننده، و بیان‌کننده است.

با توجه به اهمیت نگره‌ئی و کاربردی رابطه بین سبک‌های هویت با ابراز وجود و سبک‌های مقابله با فشار روانی، و هم‌چنین برای دستیابی به شناخت بیشتر از دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی دختر در این سه متغیر، و با نگرش به این که این رابطه تا کنون در ایران بررسی نشده‌است، این پژوهش با هدف بررسی این رابطه انجام شده‌است.

پرسش‌های پژوهش

هدف اصلی پژوهش پاسخ‌گویی به دو پرسش است:

- ۱- آیا سبک‌های هویتی دانش‌آموزان با توانایی ابراز وجود آنان رابطه دارد؟
- ۲- آیا سبک‌های هویتی دانش‌آموزان با سبک مقابله‌ی آنان با فشار روانی رابطه دارد؟

روش پژوهش

آزمودنی‌ها

از جامعه‌ی آماری پژوهش که دربرگیرنده‌ی همه‌ی دانش‌آموزان دختر دوره‌ی پیش‌دانشگاهی تهران در سال تحصیلی ۸۳-۸۲ است، ۳۲۷ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ئی چند مرحله‌ئی گزیده‌شدند. بدین گونه که از هر ۵ منطقه‌ی آموزشی تهران یک منطقه (۳، ۸، ۹، ۱۲، و ۱۶)، از هر منطقه دو مرکز پیش‌دانشگاهی، و از هر مرکز ۱ تا ۳ کلاس متناسب با

کلاس‌های موجود انتخاب شد. گستره‌ی سنی آزمودنی‌ها ۱۷ تا ۱۹ سال، میانگین سن آن‌ها ۱۷/۷۲، و انحراف معیار سن‌شان ۰/۶۶۳ بود.

ابزارهای پژوهش

در این پژوهش، سه پرسش‌نامه برای ارزیابی ابراز وجود، سبک هویت، و سبک مقابله با عوامل تنش‌زا به کار گرفته شد.

۱- پرسش‌نامه‌ی ابراز وجود (AI)

این پرسش‌نامه‌ی ۴۰ سؤالی توسط گمبرییل و ریچی^۲ (۱۹۷۵) ساخته شده است. هر پرسش بیان‌گر یک موقعیت است که پاسخ‌دهنده باید میزان امکان اجرای چنین رفتارهایی را با گزینه‌های خیلی زیاد (۵)، زیاد (۴)، متوسط (۳)، کم (۲)، و خیلی کم (۱) مشخص کند. هشت دسته از پاسخ‌های ابراز وجود در این پرسش‌نامه آمده که چنین است: (۱) پذیرفتن درخواست‌ها؛ (۲) واگویی و ابراز محدودیت‌های شخصی؛ (۳) آغاز به برقراری پیوند اجتماعی؛ (۴) ابراز احساسات مثبت؛ (۵) انتقاد کردن؛ (۶) اختلاف عقیده داشتن با دیگران؛ (۷) پاسخ منفی دادن؛ و (۸) ابراز وجود در موقعیت‌های خدماتی.

پایایی آزمون با روش بازآزمون در مطالعه‌ی آسالی (۱۳۷۳) و گمبرییل و ریچی (۱۹۷۵) به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۸۲ به دست آمده است. در این پژوهش، پایایی پرسش‌نامه به روش آلفای کرون‌باخ ۰/۸۵ برآورد شد.

برای سنجش روایی سازه‌ی پرسش‌نامه نیز با تحلیل عاملی به روش سلسله‌مراتبی دو عامل به دست آمد که بر روی هم ۴۸/۲۶۴ درصد کل واریانس ابراز وجود را تبیین می‌کند. بدین سان که واریانس مشترک ابراز وجود، ۷۳/۵۸ درصد با عامل نخست، و ۲۶/۴۱ درصد با عامل دوم تبیین می‌شود. پایایی عامل نخست ۰/۸۲، و عامل دوم ۰/۷۵ برآورد شد. بر پایه‌ی دیدگاه‌های موجود بر این دو عامل نام‌هایی درخور نهاده شد. عامل نخست بر پایه‌ی دیدگاه لانگ و تراکویوفسکی (۱۹۷۶) با ابراز وجود بنیادی هم‌خوان است که دربرگیرنده‌ی عمل ساده‌ی ابراز و پافشاری بر حقوق، باورها، و احساسات است. در این گونه از ابراز وجود، فرد، خود وضعیت ابراز وجود را پدید می‌آورد. از این رو، چون دارای بعد فردی است در پژوهش نام بنیادی/فردی گرفت. عامل دوم بر پایه‌ی دیدگاه کلی و هم‌کاران (۱۹۷۸)، ابراز وجود مقابله‌نی نامیده شد. این عامل ابراز وجود، بعد اجتماعی دارد و در مقابله با دیگران و در کنش‌های بین‌فردی مطرح می‌شود.

۲- پرسش‌نامه‌ی سبک هویت^۱ (ISI-G6)

این پرسش‌نامه‌ی ۴۰سوالی نخست توسط برزنسکی (۱۹۸۹) در آمریکا ساخته شد و سه سبک هویت اطلاعاتی، سردرگم/پرهیزی، و هنجاری، و میزان تعهد فرد می‌سنجد. از آن‌جا که برخی شرکت‌کننده‌گان در پاسخ‌گویی به پرسش‌ها با مشکل روبه‌رو می‌شدند و پاسخ‌های آن‌ها هم‌سانی مناسبی نداشت *وایت* و هم‌کاران^۲ (۱۹۹۸) در این پرسش‌نامه بازنگری انجام دادند.

در این پژوهش، نمونه‌ی ۳۶سوالی این پرسش‌نامه (آقاجانی، ۱۳۸۱) به کار آمده‌است. هر پرسش ۵ گزینه دارد که با کاملاً موافق ام (۵)، تا حدودی موافق ام (۴)، مطمئن نیستم (۳)، تا حدودی مخالف ام (۲)، و کاملاً مخالف ام (۱) نمره‌گذاری می‌شود. بر پایه‌ی شیوه‌ی نمره‌گذاری برزنسکی (۱۹۸۹) هر آزمودنی که در یکی از سبک‌های هویتی نمره‌ی بالاتر به دست آورد در آن سبک هویتی جای می‌گیرد.

برزنسکی (۲۰۰۰) ضریب آلفای کرون‌باخ را برای سبک داده‌شی ۰/۷۱، برای سبک هنجاری ۰/۶۵، و برای سبک سردرگم ۰/۷۵ گزارش کرده‌است. *آقاجانی* (۱۳۸۱) نیز ضریب آلفا را برای سبک داده‌شی ۰/۷۳، برای سبک هنجاری ۰/۷۰، و برای سبک سردرگم ۰/۶۹ گزارش کرده‌است. در این پژوهش، پایایی با روش همانند، برای سبک هویت داده‌شی ۰/۵۸، برای سبک هویت سردرگم پرهیزی ۰/۶۷، و برای سبک هویت هنجاری ۰/۵۰ برآورد شد.

۳- مقیاس مقابله با موقعیت تنش‌زا^۳ (CISS)

این آزمون که توسط *اندلر* و *پارکر* (۱۹۹۰) ساخته شده‌است، ۴۸ عبارت دارد که پاسخ‌های هر کدام به روش لیکرت، به ترتیب با خیلی زیاد (۵)، زیاد (۴)، متوسط (۳)، کم (۲)، و خیلی کم (۱) نمره‌گذاری می‌شود. آزمون سه زمینه‌ی اصلی رفتارهای مقابله‌ئی را در بر می‌گیرد: مقابله‌ی مسئله‌مدار، مقابله‌ی هیجان‌مدار، و مقابله‌ی پرهیزی. هر آزمودنی که در یکی از سبک‌های مقابله نمره‌ی بالاتری به دست آورد، آن سبک مقابله را بیش‌تر به کار می‌گیرد. ضریب پایایی توسط *اندلر* و *پارکر* (همان) برای سبک مسئله‌مدار ۰/۹۰، برای سبک هیجان‌مدار ۰/۸۵، و برای سبک پرهیزی ۰/۸۲ برآورد شد. در این پژوهش، در بررسی هم‌سانی درونی، پایایی به روش آلفای کرون‌باخ برای سبک مسئله‌مدار ۰/۸۱، برای سبک هیجان‌مدار ۰/۸۵، و برای سبک پرهیزی ۰/۸۰ برآورد شد.

روش اجرای پژوهش

روش اجرای پژوهش گروهی بود؛ بدین سان که پس از بیان توضیحاتی درباره‌ی شیوه‌ی پاسخ‌دهی به پرسش‌ها، یک‌به‌یک پرسش‌نامه‌های مربوط به ابزار وجود، سبک هویت، و سبک مقابله با عوامل تنش‌زا در مورد نمونه‌ی بررسی‌شونده ارائه شد.

یافته‌ها

برای بررسی رابطه‌ی سبک هویت دانش‌آموزان و سبک مقابله آنان با فشار روانی، آزمون غیرپارامتری خی‌دو به کار رفت (جدول ۱).

جدول ۱- نتایج آزمون خی‌دو برای بررسی رابطه‌ی سبک هویت دانش‌آموزان و سبک مقابله آنان با فشار روانی

سبک مقابله	سبک هویت			
	فراوانی	درصد	اطلاعاتی	هنجاری
مستلهمدار	۴۴	۳۷/۳٪	۳۸	۲۵
	۱۰۷	۳۳/۷٪	۳۱	۲۵
هیجانی	۴۱	۳۴/۷٪	۲۸	۳۱
	۱۱۰	۳۳/۶٪	۲۷	۳۱
پرهیزی	۲۳	۲۸/۰٪	۲۷	۵۰
	۱۱۰	۳۳/۶٪	۹۳	۱۱۶
کل	۱۱۸	۱۰۰/۰٪	۹۳	۱۱۶
	درصد	۱۰۰/۰٪	۱۰۰/۰٪	۱۰۰/۰٪

$$v = 0.127 \quad df = 4 \quad \alpha = 0.05 \quad \chi^2 = 12.25 \quad N = 327$$

برای بررسی معنادار بودن رابطه‌ی دیده‌شده، آزمون هم‌خوانی فای‌کرامر انجام شد که با اطمینان ۰/۹۹ رابطه‌ی ۰/۱۴ را بین سبک هویت و سبک مقابله نشان داد. برای بررسی رابطه‌ی سبک هویتی دانش‌آموزان با مهارت‌های ابزار وجود، روش هم‌بستگی پی‌یرسون، و آزمون معناداری ضریب t به کار رفت (جدول ۲).

جدول ۲- نتایج آزمون هم‌بستگی بین سبک‌های هویت با مقیاس‌های ابزار وجود

سبک هویت	مقیاس ابزار وجود	ضریب پی‌یرسون	تعداد	درجه‌ی آزادی	t	α
داده‌نی	بنیادی	۰/۲۵	۱۱۸	۱۱۶	۴/۶۴	۰/۰۰۱
	مقابله‌نی	-۰/۱۱				
سردرگم/پرهیزی	بنیادی	-۰/۱۵	۱۱۶	۱۱۴	۲/۶۷	۰/۰۱
	مقابله‌نی	-۰/۰۱				
هنجاری	بنیادی	۰/۰۹۱	۹۳	۹۱	۱/۶۴	-
	مقابله‌نی	۰/۰۳۴				

بررسی یافته‌ها و نتیجه‌گیری

همان گونه که در جدول ۱ آمده‌است در این پژوهش ۳/۳۷ درصد از آزمودنی‌های دارای سبک هویت داده‌ئی، با سبک مقابله‌ئی مسئله‌مدار با فشار روانی رویارو می‌شوند. این یافته با یافته‌های برزنسکی (۱۹۹۲)، نورمی و هم‌کاران^۱ (۱۹۹۷)، پرسونا و پرسونا (۱۹۹۳)، حسینی طباطبایی (۱۳۷۷)، و غضنفری (۱۳۸۲) هم‌سو است.

با نگاه به این که افراد دارای سبک هویت داده‌ئی گرایش دارند که در چاره‌جویی‌ها راه‌حل‌های چندگانه را برای جست‌وجو (کشف) چند جای‌گزین، پیش از پای‌بندی به هر کدام بررسی کنند (سونز و هم‌کاران، ۲۰۰۳)، و با نگرش به این که این افراد در جست‌وجو و ارزیابی داده‌های نو به طور مستقیم با مسائل روبه‌رو می‌شوند، تغییر یا دگرگونی را فرصتی برای پیش‌رفت می‌دانند و نه تهدید، و درگیری با چالش‌های زنده‌گی را ارزش‌مند می‌دانند (انتونوفسکی، ۱۹۷۹؛ نقل از شرایین و رادماچر، ۱۹۹۲) بنابراین این رابطه توجیه‌پذیر است.

درباره‌ی رابطه میان سبک هویت سردرگم/پرهیزی و سبک مقابله با فشار روانی، نتایج نشان داد که ۱/۴۳ درصد آزمودنی‌ها سبک مقابله‌ی پرهیزی را به کار می‌گیرند. این یافته با یافته‌های برزنسکی (۱۹۹۲)، برزنسکی و هم‌کاران (۱۹۹۹)، حسینی طباطبایی (۱۳۷۷)، و غضنفری (۱۳۸۲) هم‌خوان است. سردرگمی هویت، گرایش به پرهیز از مقابله مستقیم با مسائل شخصی را پدید می‌آورد. این افراد در تصمیم‌گیری احساس ترس و دل‌وایسی دارند و معمولاً راه‌بردهای نامناسبی در تصمیم‌گیری هم‌چون پرهیز، طفره رفتن، و بهانه‌تراشی به کار می‌بندند (برزنسکی و فراری، ۱۹۹۶). یکی از مهم‌ترین ویژه‌گی‌های افراد دارای این سبک، سطح پایین پردازش داده‌ها و حل مسئله است (سونز و هم‌کاران، ۲۰۰۳). در نتیجه، به نظر می‌رسد به علت محدودیت توانایی‌های پردازش داده‌ها، پایین بودن بزرگ‌منشی (عزت نفس)، و احساس ارزش‌مندی خود، به طور کلی در کنترل رویدادها از جمله مدیریت فشار روانی ناتوان باشند (لیبرمن، ۱۹۸۷؛ نقل از شرایین و رادماچر، ۱۹۹۲).

درباره‌ی رابطه‌ی سبک هویت هنجاری با سبک مقابله با فشار روانی، ۹/۴۰ درصد آزمودنی‌های دارای این سبک، از سبک مقابله‌ی مسئله‌مدار استفاده می‌کردند. این نتیجه با پژوهش برزنسکی (۱۹۹۲) که در آن افراد دارای سبک هنجاری از مقابله‌ی پرهیزی استفاده می‌کردند و هم‌چنین پژوهش حسینی طباطبایی (۱۳۷۷) که نشان داد هنجاری‌ها هیجان‌مدار بودند، هم‌خوان نیست. با نگاه به این که افراد دارای سبک هویت هنجاری دنباله‌رو دیگران

1. Nurmi, J. E., Berznosky, M. D., Tammi, K., & Kinneg, A.

2. Antonovsky, A.

3. Liberman, R. P.

مهم هستند و در برابر داده‌های نو به بسته بودن گرایش دارند (برزنسکی و فراری، ۱۹۹۶)، شاید این افراد از راهنمایی دیگران مهمی برخوردار شده باشند که بیش‌تر سبک مسئله‌دار به کار می‌برده‌اند و این سبک را چونان الگو یا موبه‌مو هم‌چون راه‌کاری مناسب برای مقابله با فشار به آنان منتقل کرده‌اند. هم‌چنین، این احتمال نیز هست که این افراد به جای بازتاب سبک واقعی مقابله‌ی خود، به گزینشی ایدئال دست زده باشند. این مسئله نیاز به بررسی بیش‌تری دارد تا احتمال قطعی و سازوکار آن پیدا شود.

درباره‌ی رابطه‌ی سبک هویت داده‌ئی و ابراز وجود (که به ۲ مقیاس ابراز وجود مقابله‌ئی و بنیادی/فردی بخش‌بندی شده‌بود)، داده‌ها نشان دادند که این سبک با ابراز وجود بنیادی/فردی به میزان $۱/۲۵$ ($P < ۰/۰۰۱$)، و با ابراز وجود مقابله‌ئی به میزان $۰/۱۱$ ($P < ۰/۰۵$) هم‌بستگی مثبت دارد. این یافته با یافته‌های شوآرتز و هم‌کاران (۲۰۰۰)، گوردون (۱۹۸۹)، واترمن و هم‌کاران (۲۰۰۰)، و واترمن و مانیون (۲۰۰۰) هم‌خوان است. به گفته‌ی تاواند (۱۹۹۴) ابراز وجود بیش از هر چیزی بر پایه‌ی رشد اعتمادبه‌نفس است. افراد دارای سبک هویت داده‌ئی اعتمادبه‌نفسی بالا دارند (احدی و جمهوری، ۱۳۷۸). احساس اعتمادبه‌خود در این افراد باعث می‌شود ابرازمندان پاسخ دهند و بدین سان آماده‌ی پذیرش دیگران و دیدگاه‌هایشان باشند حتی اگر با آن‌ها متفاوت باشد. این افراد هویت خود را به صورت فردی (باورهای من، هدف‌های من، و مانند این‌ها) تعریف می‌کنند (برزنسکی و آدامز، ۱۹۹۹؛ نقل از آقاجانی، ۱۳۸۱) و جملات من به کار می‌برند که در آن‌ها گوینده مسئولیت احساسات خود را بر عهده دارد. (لانگ و ژاکوبوفسکی، ۱۹۷۶؛ وین‌شپ و کلی، ۱۹۷۶؛ نقل از هارجی، ۱۹۹۷). افراد دارای سبک هویت داده‌ئی کم‌تر در جست‌وجوی تأیید و تصدیق دیگران اند و به داوری‌های خود مطمئن هستند، و در مقایسه با دو سبک دیگر هویت، در برخورد با افراد و موقعیت‌های نو، بردباری، انعطاف‌پذیری، و پذیرش بیش‌تری دارند. آن‌ها به پیوندهای دوسویه‌ی میان‌فردی با احترام به خودمختاری خود و دیگران توجه می‌کنند و ضمن ابراز وجود و احترام به خود و دیگران برای عقاید، باورها، افکار و احساسات خود و دیگران به یک اندازه اهمیت قائل اند (ریس و گراهام، ۱۹۹۱). بنابراین با نگرش به ویژه‌گی‌های سبک هویت داده‌ئی و دارا بودن مؤلفه‌های شناختی و رفتاری ابراز وجود، افراد دارای این سبک هویت، توانایی بیش‌تری برای ابراز وجود دارند.

در مورد رابطه‌ی میان سبک هویت سردرگم/پرهیزی با ابراز وجود، نتایج نشان داد که این سبک هویتی با مقیاس ابراز وجود بنیادی/فردی به میزان $۰/۱۵$ ($P < ۰/۰۱$) هم‌بستگی منفی دارد. هم‌چنین هیچ رابطه‌ی معناداری بین این سبک هویتی و ابراز وجود

مقابله‌نی دیده‌نشده. این یافته با نتایج پژوهش شوآرتز و هم‌کاران (۲۰۰۰)، گوردون (۱۹۸۹)، و واترمن و هم‌کاران (۲۰۰۰) هم‌سو است. با توجه به این که این سبک ویژه‌ی نوجوانانی است که از پرداختن به مسائل و موضوعات فردی پرهیز می‌کنند و از تصمیم‌گیری سر باز می‌زنند تا این که درخواست‌های پیرامونی رفتار آن‌ها را هدایت کند (برزنسکی و هم‌کاران، ۱۹۹۹)، دور از انتظار نیست که آن‌ها توانایی بیان روشن، مستقیم و شایسته‌ی خود، برای خویشتن بزرگی و احترام قائل شدن، و نقاط قوت و محدودیت‌های خود را شناختن نداشته‌باشند؛ زیرا ساختار هویتی آن‌ها تکه‌تکه شده‌است و آن مفهومی را ندارد که فرد باید از خود به عنوان یک شخص یگانه و یک‌پارچه داشته‌باشد. این افراد توان پدید آوردن پیوند هم‌دلانه و ناب با پیرامونیان خود را ندارند (احدی و جمهری، ۱۳۷۸)، و به گفته‌ی اریکسون (۱۹۶۸) از نزدیک شدن به دیگران می‌هراسند و پیوندی درست با آن‌ها نمی‌سازند.

در این پژوهش، سبک هویت هنجاری با هیچ یک از مقیاس‌های ابراز وجود رابطه‌ی معنادار نشان نداد. این یافته با نتایج گوردون (۱۹۸۹)، واترمن و مانیون (۲۰۰۰)، واترمن و هم‌کاران (۲۰۰۰) هم‌آهنگ است. این افراد درجه‌ی بالایی از هم‌نواپی و وابستگی به مراجع قدرت دارند. در مقایسه با وضعیت‌های دیگر هویت، آن‌ها استقلال، اعتمادبه‌نفس، و هم‌چنین گرایش کمی برای اندیشیدن به خود دارند (برزنسکی، ۱۹۹۲). از آن‌جا که این افراد در جست‌وجوی تأیید شدن از سوی دیگران هستند و حقوق دیگران را از حقوق خود بسیار مهم‌تر می‌دانند، می‌پندارند که پس از ابراز وجود، احترام، تأیید و مهر دیگران را از دست خواهند داد. بنابراین، شاید در بسیاری از مواقع برای پاس‌داری از یک پیوند ابراز وجود نکنند که این امر به‌ویژه در جوامع متمایل به جمع‌گرایی مانند ایران بسیار متحمل است.

پیشنهاد‌های کاربردی

با نگاه به یافته‌های این پژوهش دیده‌می‌شود که افراد دارای سبک هویت داده‌نی از سبک مقابله‌ی مسئله‌مدار را بیش‌تر به کار می‌گیرند. از آن‌جا که مقابله‌ی متمرکز بر مسئله مؤثرترین روش مقابله (متنای و هم‌کاران، ۱۹۸۹؛ نقل از شراین و رادماچر، ۱۹۹۲)، و نیازمند کاربرد درخور و بهینه‌ی مؤلفه‌های شناختی منطقی، انعطاف‌پذیری، آینده‌نگری، و نیز ارزیابی‌های دقیق و واقعی از تنش‌زها و منابع دردسترس است (برزنسکی، ۲۰۰۰)، پدید آوردن زمینه‌ی مناسب برای جست‌وجوی راه‌های مختلف حل مسائل و به‌کارگیری راه‌حل‌ها با توجه به شرایط منحصربه‌فرد خود و اجتماع، نوجوانان را به سوی پردازش‌گری کنش‌مند داده‌ها راهنمایی می‌کند و آن‌ها می‌توانند این پردازش‌گری را نه تنها در مورد حل مسائل مربوط

به هویت‌یابی، که در حل مسائل تنش‌زای زنده‌گی نیز به کار ببرند. نگرش به این امر برای اولیای تربیتی مهم است.

در یافته‌های پژوهش، روابط مثبت میان سبک هویت اطلاعاتی و مقیاس‌های ابراز وجود (بنیادی/فردی، و مقابله‌ئی) دیده‌شد. با توجه به این که آگاهی بیش‌تر درباره‌ی حقوق، نیازها، احساسات، و ارزش‌های فردی زمینه‌ساز ابراز وجود بیش‌تر است (هارجی، ۱۹۹۷)، آگاهی دادن به نوجوانان درباره‌ی حقوق خود و نحوه‌ی درست احقاق آن‌ها، پدید آوردن زمینه‌ئی درخور برای ابراز سالم احساسات و باورها، ایجاد فرصتی برای مستقل شدن، و فرصت ارزیابی و بررسی پی‌آمدهای گزینش‌های فردی، نوجوانان را به سوی پردازش‌گری کنش‌مند و علمی داده‌ها راهنمایی می‌کند و این امر می‌تواند به افزایش ابراز وجود بیانجامد (یکلسایمر و هوپر، ۱۹۹۸).

چون در کل، سبک هویت، و به سخن دیگر روشی که فرد در آن در پی خود با تمام جنبه‌های فیزیکی، روانی، اجتماعی، و ذهنی‌اش می‌رود، می‌تواند در حل مسائل تنش‌زای زنده‌گی و توان مقابله‌ی مؤثر با آن‌ها، و نیز در بیان خود مؤثر باشد نیاز است که اولیای تربیتی با فراهم آوردن شرایط درخور برای رشد فردی و اجتماعی، زمینه‌ساز رشد هویت داده‌ئی، ابراز وجود سالم، و مقابله‌ی مسئله‌مدار با مسائل زنده‌گی شوند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- احدی، ح. و جمهری، ف. (۱۳۷۸). روان‌شناسی رشد نوجوانی، بزرگ‌سالی (جوانی، میان‌سالی، پیری). تهران: پردیس.
- آمالی خامنه، ش. (۱۳۷۳). بررسی و مقایسه‌ی میزان کارایی روش جرات‌آموزی توأم با بازسازی شناختی بر روی برخی نوجوانان مضطرب اجتماعی. [پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد]. انستیتو روان‌پزشکی تهران.
- آقاچانی حسین‌آبادی، م. ح. (۱۳۸۱). هنجاریابی مقدماتی پرسش‌نامه‌ی سبک هویت برای دانش‌جویان (مقطع کارشناسی) دانشگاه‌های تهران. [پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد]. دانشگاه تربیت معلم.
- حسینی طباطبایی، ف. (۱۳۷۷). بررسی ارتباط بین پایگاه‌های هویت و سبک‌های مقابله با بحران در نوجوانان و جوانان شهر مشهد. [پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد]. دانشگاه الزهرا.
- ریس، ش. و گراهام، ر. س. (۱۹۹۱). آموزش ابراز وجود چگونه همان کسی باشید که واقعاً هستید. برگردان م. شهنی بیلاق، و ع. ر. رضایی، ۱۳۷۹. انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز.
- غضنفری، ا. (۱۳۸۲). بررسی تأثیر هویت و راهبردهای مقابله‌ی بر سلامت روانی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی شهر اصفهان. [رساله‌ی دکتری]. دانشگاه علامه طباطبایی.
- Alberti, R. & Emmons, M. L. (1982). *Your Perfect Right: A Guide to Assertive Behavior* (4th Ed.). San Luis Obispo: Impact Publishers.
- Asendorpf, J. B. (2000). Shyness and adaptation to the social world of university. In W. Ray Crozier. *Shyness: Development, Consolidation, and Change*. (pp. 103-120). New York: Routledge.
- Berzonsky, M. D. (1995). Public self-presentations and self-conceptions: The moderating role of identity status. *Journal of Social Psychology, 135*(6), 737-745.
- Berzonsky, M. D., Nurni, J. E., Kinney, A. & Tammi, K. (1999). Identity processing style and cognitive attributional strategies: Similarities and differences across different contexts. *European Journal of Personality, 13*, 105-120.
- Berzonsky, M. D. (2000). *Literature Review*. [Personal Communication with Berzonsky].
- Berzonsky, M. D., & Adams, G. R. (1999). Commentary re-evaluating the identity statuses paradigm: still useful after 35 years. *Developmental Review, 19*, 557-590.
- Berzonsky, M. D., & Ferrari, J. R. (1996). Identity orientation and decisional strategies. *Journal of Personality and Individual Differences, 20*, 597-606.
- Berzonsky, M. D. (1992). Identity styles and coping strategies. *Journal of Personality, 60* (4), 771-788.
- Berzonsky, M. D. (1993). A constructive view of identity development: People as post-positivist self-theorists. In J. Kroger (Ed.), *Discussions on Ego Identity* (pp. 169-203). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Bower, S. A., & Bower, H. (1978). *Asserting Yourself (A Practical Guide for Positive Change)*. Addison Wesley Publishing Company, Inc.
- Burk, P. (2002). A sociological approach to self and identity (with stets). In L. Mark, & T. June (Eds.) *Handbook of Self and Identity*, (pp. 128-152). Guilford Press.
- Cote, J. E., & Levin, C. (1988). A critical examination of the ego identity status paradigm. *Developmental Review, 8*, 147-184.
- Cultural Dimentions. (2004). <http://www.css.edu>
- Endler, N. S., & Parker, J. D. A. (1990). Multidimensional assessment of coping. *A Critical Evaluation, 42*, (2), 844-854.
- Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and Crisis*. New York: Norton.

- Gordon, L. L. (1989). *Identity Development and Personal Expressiveness*. [MA Thesis]. University of Arizona.
- Gambrill, E., & Richy, C. (1975). An assertion inventory for use in assessment and research. *Behavior Therapy*, 6, 550-561.
- Lazarus, A. A. (1973). On assertive behavior: A brief note. *Behavior Therapy*, 4, 697-699.
- Hargie, W. O. (1997). *The Handbook of Communication Skills* (2nd Ed.) New York: Routledge.
- Longe, A. J., & Jakubowski, P. (1976). *The Assertive Option: Your Right and Responsibilities*. Champaign, Illinois: Research Press.
- Kelly, J., Frederiksen, L., Fitts, H., & Phillips, J. (1978). Training and generalization of commendatory assertiveness: A controlled single subject experiment. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 9, 17-21.
- Markus, H. R., & Kitayama, S. H. (1991). Culture and the Self: Implication for Cognition, Emotion, and Motivation. *Psychological Review*, 98(2), 224-253.
- Marcia, J. E. (1966). Development and validation of ego identity status. *Journal of Personality and Social Psychology*, 3, 551-558.
- Nurmi, J. E., Berzonsky, M. D., Tammi, K., & Kinne, A. (1997). Identity processing orientation, cognitive, and behavioral strategies and well-being. *International Journal of Behavioral Development*, 21(3), 555-570.
- Persona, S., & Persona, L. M. (1993). Relationships among Minchin's structural family model, identity, achievement, and coping style. *Journal of Counseling Psychology*, 40(4), 479-489.
- Piclesimer, B., Hooper, D. R. (1998). Life skills, adolescents, and career choices. *Journal of Mental Health Counseling*, 20(3), 472-283.
- Rodriguez, G. (2001). Significant variables associated with assertiveness among Hispanic college women. *Journal of Instructional Psychology*, 1-6.
- Renk, K., & Creasey, G. (2003). The relationship of gender, gender identity, and coping strategies in late adolescents. *Journal of Adolescence*, 26, 159-168.
- Sheridan, C. L., & Radmacher, S. A. (1992). *Health Psychology: Challenging the Biomedical Model*. New York: John Wiley & Sons, Inc.
- Schwartz, S., Mullis, R. L., Waterman, A., & Dunham, R. M. (2000). Ego identity status, identity style, and personal expressiveness: An Empirical investigation of three convergent constructs. *Journal of Adolescent Research*, 15(4), 504-521.
- Soenens, B., Duriez, B., & Goossens, L. (2003). *Social-psychological Profiles of Identity Styles: Attitudinal and Social-cognitive Correlates in Late Adolescence*. [In Print].
- Sperinthal, N. A., & Collins, A. (1995, Also 1984). *Adolescent Psychology: A Development View* (3rd Ed.). McGraw Hill, Inc.
- Shweder, R., Goodnow, J., Hatano, G., Levine, R., Markus, H., & Miller, P. (1997). The cultural psychology of development: One mind, many mentalities. In W. Damon & R. M. Lerner, *Handbook of Child Psychology, Vol. 1: Theoretical Models of Human Development*, (5th Ed.).
- Townend, A. (1994). *Developing Assertiveness*, (2nd Ed). London: Routledge.
- Waterman, A. S., Lopez, L. M., Gruenfeld, K. E., & Jessee, C. L. (2000). *The Relationship of Personal Expressiveness to Intrinsic Motivation, Purpose in Life, Identity Achievement, and Principled Morality*. [Manuscript in preparation]. The College of New Jersey Ewing.
- Waterman, A. S., & Mannion, K. (1994). *On the Relationship of Optimal Experience to Identity Formation, Psychosocial Identity, and Self-actualization*. [Paper presented at the biennial meeting of the International Society for the Study of Behavioral Development, Amsterdam.]
- White, J. M., Wampler, R., & Winn, K. I. (1998). The identity style inventory: A revision with a sixth-grade reading level (ISI-6G). *Journal of Adolescent Research*, 13(2), 223-245.